

نمونه از چند
از آهنگ‌های منسوب به
عبدالقادر مرعزی

در میان نسخه‌های آثار دانشمندان و نظری دانان ایرانی که از قرون اول هجری تا قرن نهم به تحقیق در باره موسیقی پرداخته‌اند، کمتر نمونه زنده و انگاره روشنی از موسیقی قدیم ایران میتوان یافت. در طریقه باصطلاح «نت نویسی» که مرسوم آنان بوده است اصوات و درجات گام با حروف الفبا مشخص میگردد، بدین معنی که برای هر کدام از پرده‌های وترهای ساز مورد نظر، یکی از حروف الفبا - و یا ترکیبی از دو حرف - بطرزی قراردادی بکار میرفت و فی المثل برای دست باز و تربم سازعود (که وترهای پنجگانه آن بفاصله چهارم درست کواک میگردید) حرف الف و برای پرده‌های بعدی بترتیب حروف ب، ج، د، و... منظور میشد که اگر دست باز - و باصطلاح «مطلق» - رانت دو فرض کنیم بترتیب معادل بانتهای ربمل، نتی میان ربمل و ربکار، ربکار، می بمل... الخ، خواهند بود. ولی نکته‌ای در اینجا گفتنی مینماید و آن اینکه تعیین دقیق صدای دست باز و تربم، امری قابل بحث و تأمل است و برگزیدن نت دور بعنوان معادل صدای دست باز، چنانکه مرسوم محققین غربی است، فرضیه‌ای بیش نباید شمرد.

نت نویسی با حروف الفبا، که قدیمی ترین وسائل نت نویسی در تاریخ میباشد، در میان بسیاری از ملل مشرق مرسوم بوده است، این طرز نت نویسی در اروپا نیز بیسابقه نیست و منشاء طریقه نت نویسی ای را که امروز در کشورهای انگلیسی و آلمانی - زبان معمولست نیز میتوان در آن جست.

آنچه مسلمست اینکه این طریقه، آنچنانکه در آثار مربوط به موسیقی مشرق بکار رفته، نمیتوانسته است از عهده ادای خصوصیات و جزئیات يك نغمه موسیقی بر آید با اینحال با استفاده از آن، اطلاعات ذیقیمتی در باره فواصل و مقامات و سازهای دوره های گذشته بدست آمده و اصولاً نت نویسی الفبائی بدینصورت بیشتر بعنوان وسیله یادداشت و طرحی کلی و مقدماتی بکار میرفته است.

عبدالقادر مراغی (قرن نهم هجری) که مؤلف آثار معتبری درباره موسیقی است، چنانکه از آثار خود و معاصرینش برمیآید، مؤلف کتابی بوده است بنام «کنز الالحان» که، منجمله، همه آثار موسیقی خود را گویا بخط الفبائی موسیقی در آن گرد آورده بوده است. تجسساتی که جهت بازیافتن این کتاب بعمل آمده تا کنون بی نتیجه مانده است و چنین بنظر میرسد که این کتاب، که از بسیاری جهات مفید میتواند بود، از بین رفته باشد.

از عبدالقادر مراغی کتاب دیگری در دست است بنام «مقاصد الالحان»^۱ که حاوی نت نویسی آهنگی است که معلوم نیست از آثار خود اوست و یا از آهنگهای معمول ناحیه بخصوصی است. این آهنگ، در میان نمونه های نوع خود، بیش از دیگران مورد توجه و تحقیق محققین غربی قرار گرفته و از همینرو خالی از فایده نیست که نمونه ها و روایات مختلفی را که از آن بدست آمده است بخوانندگان عرضه داریم. این نکته را هم نگذریم که آهنگ مزبور با توجه بدانچه گذشت، از لحاظ هنری و موسیقی چندان ارزشی نمیتواند داشت و بقول «فتیس» - که از نخستین کسانیست که بکشف آن همت گماشته اند - آن را باید يك «اثر کهنسال تاریخی جالب» شمرد و بس. در میان محققین موسیقی اروپا، «کیزوتر»^۲ نخستین کسی است که به «کشف»

۱ - نسخه ای از این کتاب که در کتابخانه شهر «لید» هلند (که آثار بسیاری مربوط به موسیقی مشرق زمین در تصاحب خود دارد) موجود است و ظاهراً همین نسخه است که مورد مطالعه محققین غربی قرار گرفته است.

۲ - «کیزوتر» (Kiesewetter) (۱۸۵۰-۱۷۷۵) اصلاً اهل چک اسلواکی، کتب مهمی در مباحث تاریخی موسیقی دارد و منجمله مؤلف آثاری است در تفسیر و ترجمه متون مربوط به موسیقی مشرق ولی باینکه تا اواخر قرن نوزدهم نوشته های او در این مورد تا حدی حجت بشمار میرفت امروز کمتر بدان استناد میجویند.

و «ترجه» ابن آهنگ پرداخته است. وی در کتاب «منابع اصلی موسیقی اعراب»^۱ نمونه ای از آهنگ مزبور را بانث نویسی امروزه تهیه کرده که با اینکه سرمشق عده ای از همکاران خود قرار گرفته از انتقاد و خرده گیری آنان مصون نمانده است. از میان این انتقادات آنچه بجا و وارد مینماید اینکه «کیزوتر» در تشخیص وزن آهنگ راه خطا پیموده است.

«روژمون» فرانسوی در رساله ای بنام «اندیشه هائی درباره موسیقی مسلمان»^۲ نمونه «کیزوتر» را «غیر قابل اطمینان» و روش تحقیقی او را «در خود زبانهای مرده» می شمارد ولی در تأیید سخنان خود دلیلی اقامه نمیکند جز اینکه «... موسیقی ملل شرق مسلمان، از قرنهای پیش تا کنون تحول و اختلاف مهمی نیافته است... و با اندک آشنائی عملی با موسیقی معاصر آنان میتوان بفرست دریافت که نمونه مورد ذکر، بصورتی که عرضه شده است از آن ایشان نمیتوانست بود...»
بعلاوه، «روژمون» نمونه جدیدی از آهنگ مزبور «پیشنهاد» میکند که با نمونه مورد ایراد، جز از لحاظ وزن، اختلاف اساسی ای ندارد:



«فتیس»^۳ نیز «ترجه» «کیزوتر» را قابل اصلاح دانسته و در کتاب «تاریخ عمومی موسیقی»^۴ خود نمونه و روایت جدیدی از آهنگ عبدالقادر مراغی را ارائه میدهد که با نمونه ای که گذشت شباهت بسیار دارد تا جائیکه ممکن است بنظر برسد

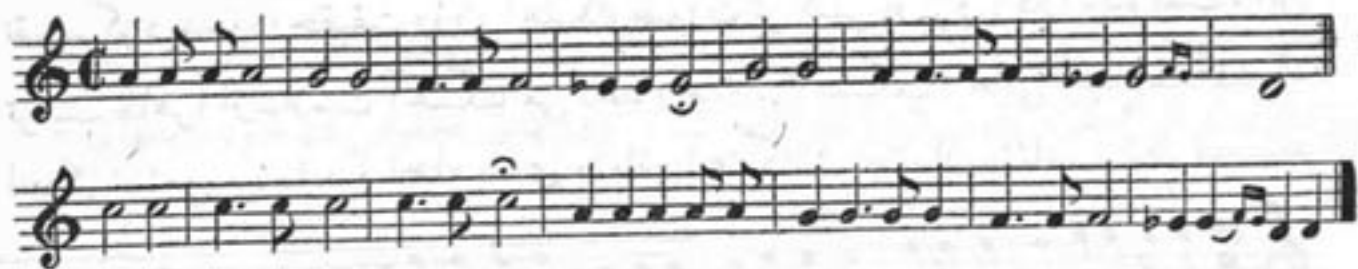
۱ - Die Musik der Araber nach originalquellen dargestellt. Leipzig, 1863 .

۲ - H. - G. Rougemont: «Pensées sur la Musique Musulmane» Paris. 1870

۳ - «فتیس» (Fétis) (۱۸۷۱ - ۱۷۸۴) بلژیکی مؤلف آثار فوق العاده متعددی درباره موسیقی و منجمه، پنج جلد «تاریخ عمومی موسیقی» میباشد. با اینکه قسمتی که در اثر اخیر الذکر بموسیقی مشرق تخصیص یافته و بخصوص بخش مربوط بموسیقی عرب - خالی از خطا و اشتباه نیست با اینحال حاوی مطالب جالب توجه و سودمندی در اهمیت موسیقی ایران است.

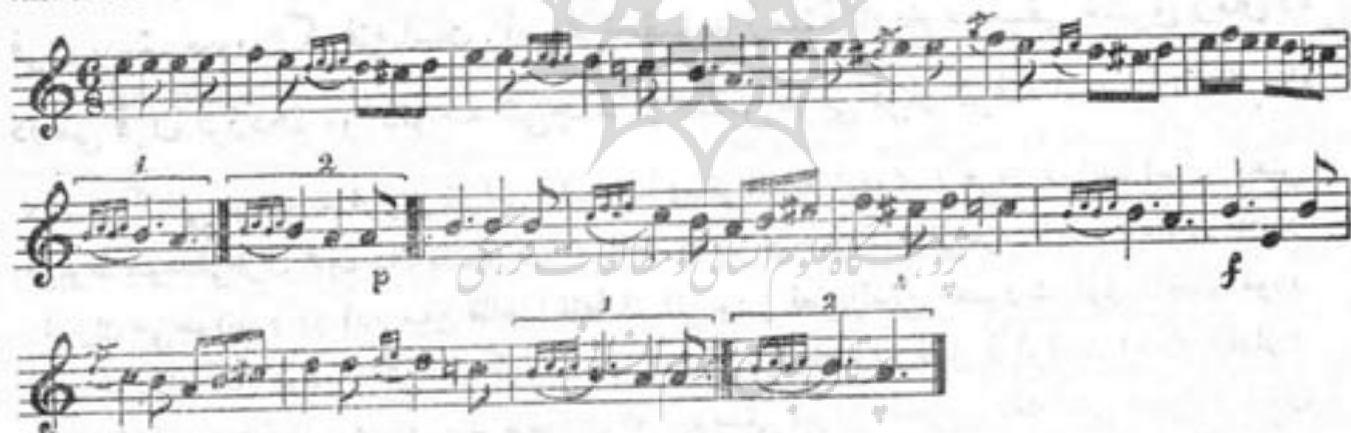
۴ - « Histoire générale de la Musique » T. I, Paris, 1869

که یکی از این دو، از دیگری اقتباس نموده باشد ولی از آنجا که تاریخ انتشار ماخذ این دو نمونه تقریباً همزمان است و از طرف دیگر هیچ يك از نویسندگان این دو ماخذ در آثار خود اسمی از هم نبرده‌اند، احتمال هر گونه اقتباسی بعید مینماید. اینک «روایت» فتیس:



در حاشیه این مثال، «فتیس» نت آهنگ دیگری را بچاپ رسانده که «... يك نغمه قدیمی ایرانی است که در مدت حکمرانی غزنویان، در ایالات هندی واقع در اینطرف رودخانه گنگ راه یافته است...» ولی ماخذ آن را ذکر نمیکند و بعلاوه از شباهت این دو آهنگ هیچ نوع استنتاجی نمیکند. اصل این آهنگ نیز عیناً نقل میشود:

Andante



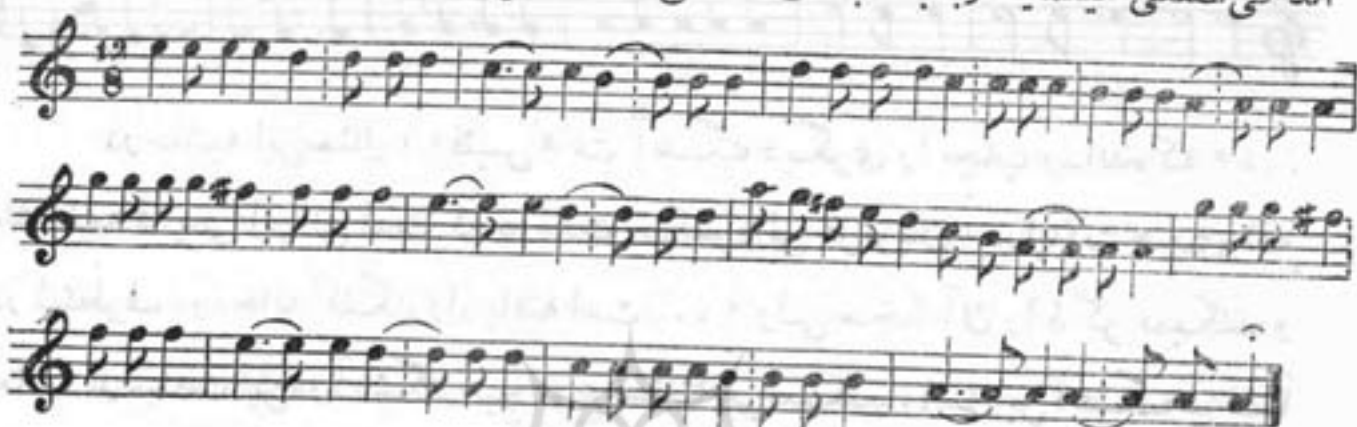
ولی معتبرترین و دقیق‌ترین «ترجمه» ای را که از آهنگ مورد بحث شده میتوان نمونه‌ای دانست که «رؤف یکتا» در بخش موسیقی ترک در دائرةالمعارف موسیقی^۱ ارائه داده‌است. متأسفانه در ماخذ مزبور عبدالقادر مراغی، ترک و آهنگ او نمونه‌ای از موسیقی ترکی قلمداد شده است.^۲

در این نمونه نکته‌ای درباره «ریتم» قابل تذکر بنظر میرسد. از آنچه مؤلف

۱ - Encyclopédie de la Musique» 1ère partie .t. V . Paris 1922 .

۲ - دائرةالمعارف مزبور در بخش مربوط بموسیقی عرب اغلب علمای ایرانی را که درباره

درباره آن مینویسد چنین برمیآید که وی معتقد است که وزن «رمل» را - که آهنگ مزبور در آن نوشته شده است - نمیتوان مر کب از تکرار «سیاه» چنگ، چنگک، سیاه» دانست چه، در این صورت ضرب های قوی و ضعیف در جای خود قرار نمیگیرند. از همینرو و بطوریکه ملاحظه میشود میزان $\frac{12}{8}$ بایک خط میزان نقطه چین بدو قسمت تقسیم گردیده و در حقیقت وزن آهنگ بصورت ترکیبی از $\frac{4}{8}$ و $\frac{8}{8}$ در آمده است. این ترتیب ظاهراً از سلاست آهنگ می کاهد و بعلاوه «سنکپ» هائی ایجاد میکند که اندکی تصنعی مینماید و با جمله بندی منطقی آهنگ نیز چندان متناسب بنظر نمیرسد.



ماخذ نمونه هائی که گذشت اغلب، تحقیقاتی است که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم صورت گرفته است. اصولاً تحقیق بر زمینه تاریخ موسیقی مشرق زمین که در طی قرن نوزدهم مورد توجه تنی چند از محققین غربی قرار گرفته است با تتبعاتی که

موسیقی کتابی نوشته اند از قبیل فارابی، ابن سینا و صفی الدین ارموی، عرب خوانده است. بخش مربوط به موسیقی ترک همین دائرة المعارف که بلافاصله پس از بخش موسیقی عرب آمده، علمای مزبور را ترک می خواند و در این میان ظاهراً فقط ایرانی بودن قطب الدین محمود شیرازی تاحدی مورد قبول نویسندگان هر دو بخش قرار گرفته است. ولی آنچه بخصوص قابل ذکر است اینکه «اوار» (Huart) «ورخ فرانسوی در چند صفحه ای که به موسیقی ایران تخصیص یافته حتی اسمی از اینان نمیبرد. ما برای اینکه نمونه ای از طرز استدلال اینگونه مؤلفین را - که از روی عدم دقت و گاهی نیز سوء نظر - مرتکب خطاهائی میشوند بدست داده باشیم چند سطر از نوشته های «رؤف یکتا» را از دائرة المعارف نقل می کنیم و قضاوت درباره آنها را بخواننده وامیگذاریم، با اینحال خود را ناگزیر از تذکر این نکته میدانیم که برآستی جای تأسف است که محقق و نویسنده پرفردی چون یکتا (که منجمله مؤلف آثار و مقالات بسیار پرارزشی درباره موسیقی و مقامات شرقی است) بیک چنین ادعای بی دلیل و تعصب آمیزی دست زده باشد.

باری، مؤلف مورد بحث مینویسد: «مؤلفین غربی عبدالقادر را یک نظری دان ایرانی میشمارند ولی این موضوع درست نیست چه، شهر مولد وی مراغه، در ایالت آذربایجان قرار دارد و اهالی این منطقه قبایلی تر کمن هستند و بزبانی سخن میگویند که زبان تر کمن نام دارد.» <

امروزه در این زمینه بعمل می‌آید چند اختلاف قابل ذکر دارد: نخست اینکه تحقیقات مربوط به موسیقی هند و خاور دور، شاید بعلت تماس بیشتری، دامنه بیشتری یافته است ردیگر اینکه از این تحقیقات بیش از پیش نتایج عملی و «استیتکی» منظور نظر است بدین معنی که امروزه بسیاری از موسیقی دانان غرب، بر اثر محدودیت برخی از اصول موسیقی خود، در پی وسائل بیان جدید، باینگونه تحقیقات و با استفاده از آنها می‌پردازند و از همینرو بقول «روژمن» «... روشهای تحقیقی در خور زبانهای مرده...» کمتر مورد توجه میباشد.

بامطالعه نمونه‌هایی که عرضه شد میتوان استنباط کرد که نتیجه اینگونه روشهای تحقیقی اغلب مشکوک و مبهم و متضاد است بخصوص هر گاه که - چون بحث حاضر - موضوع موسیقی زنده‌ای در میان باشد؛ اینجاست که آشنائی عملی با موسیقی معاصر، اجتناب ناپذیر مینماید و نوشته «روژمن» که اشاره شد با اینکه کمتر جنبه

اینکه عبدالقادر آثار خود را بزبان فارسی نوشته باشد مربوط به رسمی است که معمول علمای آن دوره بود که، بنابر آن، زبان علمی و هنری در درجه اول عربی و در درجه دوم فارسی بوده است. بنابر این هیچ دلیلی ندارد که ما عبدالقادر را در میان نظری دانان ترك جای ندهیم... و بعلاوه مؤلف، ظاهراً در تأیید ادعای خود استناد بدین میجوید که فرهنگ موسیقی «ریمان»

(Riemann: Dict. de Musique, p. 2)

عبدالقادر را «نویسنده موسیقی عرب» میخواند!

راست است که فرهنگ مزبور عبدالقادر مراغی را، از روی اشتباه و بساستناد آثار دیگر نویسندگان غربی، عرب معرفی مینماید ولی این نکته بسیار پر معنی است که «ریمان» اضافه میکند که برای کسب اطلاعات بیشتری بکلمه «اعراب و ایرانی‌ها» (Arabes et Perses) در صفحه ۴۶ همان فرهنگ مراجعه شود و در این قسمت اخیر منجمله مینویسد: «... فرهنگ موسیقی اعراب پیش از اسلام تقریباً هیچ بوده است و برعکس پس از فتح ایران (قرن ۷) دوره پر رونق هنری‌ای آغاز میگردد و فرهنگ که سال ایرانی در میان فاتحین ریشه میدواند...»

این نکته را نیز باید در نظر داشت که جلوگیری از اینگونه اشتباهات (در صورتیکه فقط ناشی از عدم دقت باشد) امکان پذیر است. چنانکه یکی از مدیران بنگاهی که دائرة المعارف مزبور را منتشر ساخته است در مقابل تذکری که نویسنده در این باره بوی داد، وعده داد که در صورت تجدید چاپ، باین شخصیت ایرانی که در این خصوص صلاحیت داشته باشد مشورتی بعمل آید همچنین «پروژمن - تیل» (P. Germain - Thill) مؤلف یک رشته سخنرانی در باره موسیقی عرب در رادیو پاریس، عین‌نامه‌ای را که نویسنده مبنی بر اعتراض بر اینگونه اشتباهات نوشته بود، در رادیو قراوت نمود و ضمناً قسمت عمده آنرا صراحتاً صحیح و وارد شمرد (۱۸ ژوئیه ۱۹۵۴) و بعلاوه پیشنهاد نمود که یک رشته سخنرانی بانمونه‌هایی از موسیقی ایران در رادیو پاریس ترتیب یابد.

علمی دارد بسیار پر معنی بنظر میرسد: «... موسیقی ملل شرق از قرن‌ها پیش تا کنون تحول و اختلاف مهمی نیافته است و موسیقی معاصر اینان را با موسیقی قرون گذشته - شان، اساساً همانند میتوان شمرد... [وازهینرو]... هر جا که تحقیقات بر زمینه موسیقی اینان، در مورد مسئله‌ای دچار تردید گردد، موسیقی معاصر شان میتواند حکمیت نماید...»

این قسمت اخیر، سودمندترین نتیجه‌ای است که از مقاله حاضر میتوان گرفت -
 دکتر ز. هاگوپیان



عکس روی جلد



عکس یکی از تابلوهای نقاشی رنگ در غنی کاخ چهل ستون اصفهان است که بامر شاه عباس ساخته شده است و مجلس بزمی را در دربار صفوی و در حضور شاه همایون هندی نشان میدهد. اصل آن بطول ده متر است و چند تزئین طلاکاری دارد.

نقل از کتاب *Description de l'Arménie la Perse et la Mésopotamie* اثر Ch. Texier. کتابخانه موزه ایران باستان. عکاسی کبی از کرمانی (سر ویس فیلم - استریپ اداره کل هنرهای زیبا)

